

روح‌یابی از مذاکرات در خانه ملت

کمیته نظارت قوه قضاییه غیرقانونی است

احمد بورقانی فراهانی در نطق پیش از دستور ۸ آبان ماه ۱۳۸۰ از تشکیل کمیته‌ای در قوه قضاییه خبر داد، که تحت عنوان نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های مقام معظم رهبری و شورای عالی امنیت ملی در رابطه با حوادث اخیر منطقه و افغانستان نام گرفته است. وی تشکیل این کمیته را اقدامی غیرقانونی خواند، که خارج از وظایف ذاتی قوه قضاییه قرار دارد. بورقانی افزود:

وظایف قوه قضاییه که در اصل ۱۵۶ قانون اساسی به دقت احصا شده است نظارت و اجرای قوانین مختلف است که به تصویب نهاد انحصاری قانونگذاری در کشور یعنی مجلس شورای اسلامی رسیده باشد.

مخبر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی ادامه داد: تا زمانی که رسماً تفویض اختیاری مطابق با اصل ۱۱۰ قانون اساسی از سوی مقام رهبری به فرد یا نهادی نشده است هرگونه ورود به این حوزه‌ها مداخله در وظایف رهبری و قوه مجریه است.

عضو فراکسیون مشارکت با تصریح به اینکه مصوبات شورای عالی امنیت ملی قانون نیست که مسؤولیت اجرا و نظارت بر حسن اجرای آن بر عهده قوه قضاییه باشد، گفت:

اصول متعدد قانون اساسی تصریح دارد که قوه قضاییه صلاحیت ورود به این حوزه را ندارد و ضروری است اگر رئیس قوه قضاییه اختیار رسمی و ویژه‌ای مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی از مقام رهبری ندارد هرچه سرعتر این کمیته را تعطیل کند. بورقانی این اقدام را بدعتی دانست که در صورت اجرا و تعمیم آن، اصول مهم قانون اساسی از جمله اصول ۷، ۸ و ۹ را هدف تهدید قرار می‌دهد.*

بورقانی با اشاره به ضرورت رعایت مصالح و امنیت ملی کشور گفت: طبیعی است که اعلام تشکیل کمیته‌ای برای نظارت بر مصوبات شورای عالی امنیت ملی، این معنا به دست خواننده و شنونده داده می‌شود که در میان مسؤولان کشور اتفاق نظر نیست.

بورقانی سخنان خود را چنین ادامه داد:

ظاهراً همه این بحث‌ها به فعالیتهای کمیسیون ویژه مجلس و گزارش سخنگو یا مخبر آن بازمی‌گردد. کمیسیون ویژه می‌کوشد علاوه بر ایفای وظیفه خود مطابق آیین‌نامه داخلی مجلس در مقام بازوی مشورتی مسؤولان، نظرات و دیدگاه‌های خویش را در اختیار ایشان قرار دهد و از سیاست‌های مصوب در مراجع قانونی متحداً حمایت کند. ثانیاً مصوبات کمیسیون واضح و مضبوط است و تعریف جایگاه مخبر و سخنگو تعبیری در

محتوای آن ایجاد نمی‌کند.

داوود سلیمانی و غیرقانونی بودن کمیته نظارت

بنا بر گفته داوود سلیمانی نماینده تهران و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس نیز تشکیل کمیته نظارت قوه قضاییه باید مستند به قانون اساسی و با اذن رهبری باشد و چون هیچیک از آنها نیست بنابراین تشکیل کمیته غیرقانونی بوده و دخالت در امور سایر قوا و نقض آشکار قانون، وظایف و اختیارات ریاست جمهوری است. (۸۰/۸/۸)

انصاری راد و فراقانونی بودن کمیته نظارت

انصاری راد رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس گفت: تشکیل کمیته در حدود اختیارات قوه قضاییه نیست. قوه قضاییه از حدود قدرت قانونی خود فراتر رفته و به نظر می‌رسد نه مراعات افکار عمومی می‌شود و نه نظریه حقوقدانان منظور می‌گردد. (۸۰/۸/۸)

کمیته موازی، مسئله را پیچیده می‌کند

محبی نیا عضو کمیسیون اقتصادی اظهار داشت: وزارت امور خارجه و شورای عالی امنیت ملی بهترین جایگاه برای پیگیری مسائل مهم در رابطه با حوادث منطقه هستند و اگر سستی و انحرافی در وظایف این دو نهاد دیده شود، مسؤول برخورد با آن رئیس جمهور و مقام معظم رهبری هستند.

وی با تأکید بر ایراداتی به کار کمیسیون ویژه گفت: اما دلیل نمی‌شود که ما به جای تعامل با مجلس با ایجاد تشکیلات موازی به پیچیدگی مسائل بیفزاییم. (۸۰/۸/۸)

کمیته نظارت ضرورتی ندارد

کاظمی مخبر کمیسیون قضایی با اشاره به عدم استناد قانونی تشکیل کمیته گفت: اگر مصوبات شورای عالی امنیت ملی را هم به عنوان قانون تلقی کنیم کانال نظارت بر آن بازرسی کل کشور است.

طبق قانون اساسی، سازمان بازرسی کل کشور برای بازرسی و نظارت بر اجرای قوانین در دستگاهها و سازمانهای دولتی است که شامل شورای عالی امنیت ملی نمی‌شود. (۸۰/۸/۸)

کمیته نظارت مغایر با اصل تفکیک قواست

به گفته آرمین نایب رئیس دوم مجلس ایجاد کمیته مذکور غیرقانونی و مغایر با اصل تفکیک قوا و دخالت آشکار در قوای دیگر است، وی افزود: هفته گذشته نیز رئیس قوه قضاییه طی نامهای از پذیرش تذکر قانون اساسی رئیس جمهور سر باز زده و صریحاً قانون اختیارات و وظایف رئیس جمهوری را که طی ۱۵ سال اخیر مبنای اقدامات رئیس جمهوری در عمل به وظایف قانونی خود بوده، منسوخ دانست. بی‌توجهی مکرر و نقض مستمر قانون

زینده رئیس قوه قضائیه نیست. (۸۰/۸/۸)

گزارش کمیسیون اصل ۹۰ و تشویش اذهان عمومی!

علیزاده رئیس کل دادگستری تهران در دو نامه جداگانه به رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس کمیسیون اصل ۹۰ از آنان خواسته است تا نظر تفسیری شورای نگهبان را در مورد اصل ۹۰ قانون اساسی و حدود وظایف و اختیارات کمیسیون اصل ۹۰ پرسش کنند.

علیزاده این نامه ها را در جواب به گزارش کمیسیون اصل ۹۰ پیرامون عدم همکاری دستگاه قضایی با این کمیسیون برای پیگیری شکایات مردمی نوشته است.

وی در نامه خود عنوان کرده که کمیسیون حق ندارد از قضات در امر قضی و قضاوت توضیح بخواهد زیرا با استقلال قاضی منافات دارد، همچنین ریاست کمیسیون حق سؤال و جواب ندارد. علیزاده ارایه گزارشات کمیسیون اصل ۹۰ در جلسه علنی را در تشویش اذهان عمومی و مقدمه ای برای ایجاد سوءنظن دانسته است.

علیزاده در نامه خود خطاب به کروی نوشته است: در دستگاه قضایی مرسوم نیست به هر بیانیه سیاسی و یا اطلاعیه ها و گزارشهای صنفی، سیاسی و گروهی پاسخ داده شود. (۸۰/۸/۶)

سلامی عضو کمیسیون ویژه مجلس ادامه داد: ما به سراغ آمریکا نرفته ایم بلکه برای حفظ منافع ملی خود می گوئیم نباید محدودیت های خود ساخته داشته باشیم. وی با یادآوری قطع رابطه بیست ساله چین با آمریکا یادآور شد: تمام مذاکرات چین با آمریکا در بلگراد انجام می شد. ابراهیم بای سلامی خاطر نشان کرد: امام مذاکره با ذلت را نمی پذیرفت. ولی ما امروز در موضع قدرت قرار داریم.

* کمیسیون ویژه مشورتی مجلس

کمیسیون ویژه بررسی بحران های اخیر منطقه، مذاکره با همه طرفهای درگیر حوادث اخیر از جمله آمریکا را برای حفظ منافع ملی مؤثر می داند. به گفته مخبر مربوطه، در گزارش کمیسیون پیشنهاد شده که ایران از طریق مجامع بین المللی با عوامل اصلی بویژه آمریکا تبادل نظر کنند. وی مهمترین این مجامع را پیمان ۲+۶ با حضور شش کشور همسایه افغانستان و آمریکا و روسیه و پیمان ابتکار ژنو متشکل از ایران، آمریکا، آلمان، ایتالیا و گروههای افغانی نامید.

مخبر کمیسیون، اولویت نخست ایران را عدم ورود به مناقشه و حفظ آرامش در افغانستان دانست و گفت: یکی از بحث های جلسه غیر علنی در مورد تشکیل دولت فراگیر در افغانستان بود که ایران معتقد به حضور همه اقوام افغانی در حکومت آینده افغانستان است. زیرا هر دولتی که قومیت ها و مذاهب را نادیده بگیرد با ثبات نخواهد بود.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا مذاکره با آمریکا در شرایط فعلی از موضع ضعف نخواهد بود، گفت: نتیجه کار کارشناسی کمیسیون این بود که حفظ امنیت کشور در گرو گفت و گو با همه عوامل اصلی از جمله آمریکا است. وی با اشاره به اهمیت استراتژیک ایران در منطقه افزود: اروپاییها و آمریکاییها به ایران نیاز مندند زیرا ایران نقش ممتازی در حفظ امنیت منطقه دارد.

سلامی عضو کمیسیون ویژه مجلس ادامه داد: ما به سراغ آمریکا نرفته

ایم بلکه برای حفظ منافع ملی خود می گوئیم نباید محدودیت های خود ساخته داشته باشیم. وی با یادآوری قطع رابطه بیست ساله چین با آمریکا یادآور شد: تمام مذاکرات چین با آمریکا در بلگراد انجام می شد. ابراهیم بای سلامی خاطر نشان کرد: امام مذاکره با ذلت را نمی پذیرفت. ولی ما امروز در موضع قدرت قرار داریم.

مخبر کمیسیون ویژه در مورد افزایش سطح تماس ایران با آمریکا گفت: هفته گذشته نماینده ایران در سازمان ملل به واشنگتن رفت و با تعدادی از نمایندگان کنگره و سناتورهای این کشور دیدار کرد. آنها نیز درخواست کرده بودند با تعدادی از نمایندگان مجلس ایران دیدار کنند. (۸۰/۸/۶)

به دنبال این اظهار نظر، اختلافاتی در کمیسیون ویژه بروز کرد و چهار نفر از روحانیونی که بیشتر به مواضع روحانیون مبارز نزدیکند در این زمینه واکنش نشان دادند.

قدرت علیخانی در روز ۸۰/۸/۷ متن دست نوشته ای را برای خبرنگاران قرائت کرد و اشاره نمود که سیدهای خامنه ای، محتشمی و مجید انصاری نیز این متن را قبول دارند.

علیخانی در مورد نظر کارشناسی کمیسیون گفت: ما وارد نظر کارشناسی نمی شویم، مدل حکومتی ما این است. «می خواهید بخواهید نمی خواهید نخواهید» کمیسیون نظر کارشناسی نداشته و اگر کسی می گوید چنین مصوبه ای بوده، آن را ثابت کند.

این در حالی بود که ابراهیم بای سلامی روز بعد (۸۰/۸/۸) اظهارات وی را مغایر با تصمیمات کمیسیون دانسته و گفت: طبق اسناد و نوار موجود در کمیسیون آنچه اعلام شد جمع آوری نظرات کارشناسی کمیسیون بود. مخبر کمیسیون ویژه ادامه داد: این نظر کارشناسی در کمیسیون به رأی گذاشته شد و به جز آقای محتشمی و یک نفر از اعضا که در کمیسیون حضور نداشتند اکثریت قریب به اتفاق موافق آن بودند.

قانون اساسی شفاف است، تفسیر شورای نگهبان در موارد ابهام است

محمدرضا خاتمی نایب رییس مجلس شورای اسلامی ضمن حمایت از برگزاری همه پرسی گفت: اگر عده ای بخواهند کار را به بن بست بکشاند و در برابر قانون بایستند، ملت باید تصمیم نهایی را بگیرد. خاتمی در جمع خبرنگاران پارلمانی گفت: از نظر من اصولی از قانون اساسی که مورد اختلاف است (چه در مورد اختیارات رییس جمهوری و چه اختیارات قوه قضائیه) آنقدر روشن است که نشان می دهد کسانی که اعتراض می کنند به دلیل اعتراض سیاسی است و اهداف سیاسی را دنبال می کنند.

رضا خاتمی با اشاره به تفسیر شورای نگهبان از اصل ۱۱۳ قانون اساسی در سال ۵۹ پرسید: چرا این تفسیر اکنون نادیده گرفته می شود؟

خاتمی در رابطه با قانون استقلال قاضی گفت: اگر واقعاً قضات استقلال داشتند ما شاهد صدور این احکام نبودیم و برای ما تردیدی نیست که در بعضی موارد اراده سیاسی حاکم است نه استقلال قاضی. وی با اشاره به وظیفه شورای نگهبان برای تفسیر قانون اساسی گفت: تفسیر در جایی است که ابهام وجود داشته باشد و اگر ابهام نباشد تفسیر معنایی ندارد.

وی با طرح این سؤال که چه کسی تشخیص می دهد که موضوع مهم و

۱۷۴ در خصوص نظارت سازمان بازرسی کل کشور، منظور نظارت بر حسن اجرای قوانین است، لذا در ذیل آن آمده است حدود اختیارات را قانون تعیین می‌کند.

تحقیق و تفحص در مورد شخصیتها

داود سلیمانی رئیس کمیته سیاسی فراکسیون دوم خرداد از تصمیمات این کمیته خبر داد و گفت: مقرر شده است مصوبات کمیته سیاسی که به صورت بیانیه منتشر شوند در رابطه دفاع از مصونیت نمایندگان به مجمع عمومی فراکسیون ارسال گردد. در صورتی که با نمایندگان مجلس برخورد شود به نحوی که آنها را زندان ببرند یا برخوردهای نسنجیده‌ای انجام بدهند مجلس در جلسه فوق العاده‌ای که فراکسیون دوم خرداد برگزار می‌کند، با این قضیه برخورد کرده و تصمیم‌های اصولی و قاطعانه‌تری بگیرد. این تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند از نوع تحقیق و تفحص در مورد برخی از شخصیتها یا موارد مشابه آن باشد. شخصیتهایی که مسؤولیت اجرای قانون را دارند ولی به وظایف خود عمل نمی‌کنند. (۸۰/۸/۲)

کاهش توان کارشناسی وزارت نفت

میدری در پاسخ به این سؤال که برای درمان دردمزمن اعتیاد به درآمد نفت و دستیابی به یک استراتژی کاملاً ملی نفتی چه پیشنهادی دارید، گفت: تا زمانی که نظام شایسته‌سالاری در وزارت نفت برقرار نگردد و مدیرانی که در وزارت نفت هستند از صلاحیت لازم برخوردار نباشند، امکان تدوین استراتژی ملی در وزارت نفت نیست. او افزود: به دلیل انتقال مدیرانی از سایر بخش‌ها به وزارت نفت توان کارشناسی آن کاملاً ضربه خورده است.

عدم تشخیص جایگاه واقعی کشور

دکتر سبحانی نماینده مردم دامغان و عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات، مهمترین مشکل جامعه را عدم شناخت نخبگان از جایگاه کشور در طیف توسعه یافتگی می‌داند.

وی توضیح داد: اگر توسعه یافتگی یک طیف باشد که بین صفر و یک تعریف شود، به نحوی که حرکت به سمت یک خروج تدریجی از توسعه نیافتگی و رفتن به سمت توسعه تلقی گردد، بزرگترین مشکل وجود دیدگاههای مرتجعانه و پاپیستازانه‌ای است که اولی خواهان به عقب بردن زمان و دومی خواهان زایمان زودرس ایده‌آلها و آرمانهای خود است اما هر دو در یک نکته مشترکندو آن عدم تشخیص جایگاه واقعی کشور در برهه‌ای است که در آن هستیم (برروی طیف توسعه یافتگی).

این در جای خود منشأ تعارضات است. لذا ما در سیاست برخلاف نظر علمای سیاست به جای حرکت از تضاد و تعارض به سوی هماهنگی، از همگونگی به سمت تعارض حرکت می‌کنیم.

دکتر سبحانی در تعریف توسعه خاطر نشان کرد: توسعه یک کل غیرقابل تجزیه است که در تعامل متقابل مسائلش با هم شکل می‌گیرد و تدریجی و کند و بطئی است.

مانند میوه‌ای که در گذر زمان باید برسد. همه اجزاء این میوه متأثر از شرایط زمان و مکان است.

مبهم چیست؟ ادامه داد: قانون اساسی به صراحت مشخص کرده که اگر دوسوم نمایندگان تصویب کنند موضوع می‌تواند به فراندوم مردمی گذاشته شود.

خاتمی مقاومت در برابر قوانین را موجب زیر سؤال رفتن ماهیت نظام در افکار عمومی دانست و گفت: این نوع برخوردها با قانون به معنای تعطیل کردن جمهوریت نظام است که در نهایت از اسلامیت آن نیز چیزی باقی نخواهد ماند. (۸۰/۷/۲۹)

گفتنی است، به دنبال تذکر قانون اساسی رییس جمهور به قوه قضاییه که هفته پیش به صورت علنی انجام شد و علت آن احضار و محاکمه نمایندگان مجلس علیرغم اصل مصونیت آنان بود، رئیس قوه قضاییه در مقابل این تذکر واکنش نشان داده و اختیار قانونی رییس جمهور در تذکر قانون اساسی را مورد ایهام قرار داده و خواستار تفسیر شورای نگهبان در این باره گردید.

این پاسخ از منظر برخی سیاستمداران و نمایندگان مجلس بن بست موجود در نظام اجرایی و حقوقی را یادآور می‌شد و لذا برای حل این معضل پیشنهاد مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را مطرح نمودند. ولی رئیس جمهور در نامه بعدی خود به رئیس قوه قضاییه خاطر نشان ساخت که اولاً قانون اساسی فصل الخطاب است و جایگاه و امنیت همه مسؤولین از آن نتیجه می‌شود. ثانیاً قانون صراحت دارد که رئیس جمهور شخص دوم و پاسدار و مجری قانون اساسی است. ثالثاً در مواردی که قانون شفافیت و صراحت دارد نه نیازی به فراندوم است نه نیازی به تفسیر شورای نگهبان و نه هیچ مقام دیگر. ضمن آنکه تذکر رئیس جمهور مورد حمایت بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و حقوقدان‌ها و نمایندگان مجلس واقع شد. رئیس مجلس کروی نیز در سخنان روز ۸۰/۷/۲۹ به ضرورت تذکر قانون اساسی از سوی رئیس جمهوری اشاره کرد و گفت: رئیس جمهور بر اساس قانون اساسی قسم یاد کرده تا پاسدار قانون اساسی باشد و بحث اینکه رئیس جمهور سید محمد خاتمی باشد یا فرد دیگری نیست بلکه هر فردی که باشد می‌بایست به این وظیفه خود عمل کند.

کروی با استناد به اصلی از قانون اساسی که رئیس جمهور نفر دوم نظام محسوب می‌شود، تصریح کرد: مقام ریاست جمهوری جایگاه ویژه‌ای در قانون اساسی دارد.

استقلال قوا در چارچوب قانون اساسی

قوامی رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در رابطه با تذکر قانون اساسی رئیس جمهور و تأکید بر آن در نطق خود به سوگند رئیس جمهور برای پاسداری از قانون طبق اصل ۱۲۱ و همچنین اصل ۱۱۳ قانون اساسی اشاره کرد که به موجب آن رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است.

همچنین با استناد به اصل ۵۹ قانون اساسی خواهان طرحی برای اجرای این اصل در جهت همه پرسی و مراجعه به آراء عمومی در حل مسائل بسیار مهم سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شد.

قوامی در خصوص استقلال قوه قضاییه بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی گفت: استقلال در چارچوب قانون است. نظارت قوه قضاییه بر حسن اجرای قوانین نیز در مورد قوانین عادی در محاکم است. وی یادآور شد در اصل

رقابت سالم سیاسی برای حل چالش اصلی

فاطمه را کئی نایب رئیس دوم کمیسیون فرهنگی مهمترین چالش داخلی بعد از انقلاب را وجود دو دیدگاه محافظه کارانه و اصلاح طلبانه ذکر کرد. وی گفت: مهمترین معضل ما بعد از پیروزی انقلاب تاکنون ساختار دوگانه فکری حاکم بر امور کشور است که متأسفانه به علت فقدان حزب و برخورد سیاسی سمدنی، طرفداران این دو تفکر از سالها پیش تا به حال تمام رشته‌های خود را پنبه می‌کنند و به جای اشاعه تفکر خود با روشهای صحیح و جذب آراء عمومی، دائماً یکدیگر را تخطئه می‌کنند و یک رقابت سیاسی سالم در کشور وجود ندارد. تا این مشکل حل نشود، معضلات به حوزه‌های دیگر سرایت می‌کند.

از نظر راکعی مسائل حادی در عرصه فرهنگ به مانند قاچاق مواد مخدر، اعتیاد، مشکلات اخلاقی و دختران فراری و از این قبیل وجود دارد که به نظر می‌رسد زائیده برخورد های فکری ذکر شده است. متأسفانه مشکلات مربوط به این تفکر دوگانه در زمینه های فرهنگی خود را به بدترین شکل نشان می‌دهد.

از طرف دیگر دنیای استکبار و دنیایی که با ارزشهای دینی در ستیز است به منظور ایزوله و بی‌هویت کردن جوانان تلاش می‌کند و بطور سنجیده‌روی جوانان ما کار می‌کند تا فکر سیاسی را از آنها بگیرد و آنها را به روزمره‌گی بیندازد. مسؤولین فرهنگی و ارگانهای فرهنگی نیز بخاطر دیدگاه دوگانه، کار اساسی و ریشه‌ای نمی‌توانند انجام بدهند، لذا ماهیج کار بنیادی و سمت و سو دار و هدفمندی را در ارتباط با جوانان مان انجام نداده ایم. ما جوانان خوبی داریم که با وجود تشنه فرهنگی و فکری در جامعه دچار نابسامانیهای بیشتر از این نشده‌اند. تا زمانی که خودخواهانه و بدون هدف و سهل انگارانه مسائل فرهنگی و سیاسی مان را ضابطه مند نکنیم، بی گمان منتظر مشکلات بیشتری در این زمینه باید باشیم.

راکعی خاطر نشان کرد: تهاجم فرهنگی از درون خود ما راه پیدامی‌کند، کسانی هستند که نگرش مادی دارند و معتقدند امکان یکی بودن دین با سیاست وجود ندارد و قصد تسخیر دنیا را دارند. از طرف دیگر باید ما زمینه ای ایجاد کنیم تا جلوی تبلیغات غیرارزشی و تخدیر کننده جوانان و کشاندن آنها به سمت زندگی مصرفی و عروسکی گرفته شود، اما چون هرکاری می‌شود در جهت تضعیف و تخریب دیگران است نهایتاً ته کاسه چیزی نمی‌ماند که جوان از آن الگو بگیرد و هویت خود را بشناسد.

راکعی در جمع بندی دو دیدگاه به نقل از شهید مطهری افزود، دو دیدگاه وجود دارد:

یک دیدگاه، دیدگاه متحجرانه است و یکی تفکر اصلاح طلبانه که ریشه در تفکر حضرت امام(ره) و شهید مطهری و دکتر شریعتی دارد. البته دیدگاه متحجرانه وقتی کلی صحبت می‌کند خود را مدافع آراء انقلاب و تفکر امام(ره) جلوه می‌دهد.

راکعی گفت: گاهی اعتقاد واقعی نیست و گاهی برخی روی موج سوار می‌شوند و برای گرفتن پست و سمتی، خودشان را به جناحی وصل می‌کنند و یافرت طلبانی برای مطرح کردن خودشان، دست به دست هم می‌دهند که ما تخریبی عمل کنیم و زیانش به کشور برسد.

تقویت مرکز مطالعات استراتژیک

نمازی نماینده لجنان در ریشه یابی وقایع اخیر شهرها که بعد از بازی فوتبال رخ داده است، گفت: مردم مطالباتی دارند که چه خوب است ما به موقع به این انتظارات توجه کنیم و با توجه به امکانات موجود کشور در پاسخگویی به این مطالبات تلاش نماییم. البته تنگناهایی وجود دارد چه خوب است که موانع با مردم در میان گذاشته شود. مطمئناً مردمی که ۸ سال جنگ را با موفقیت پشت سر گذاشته و در مشکلات همراه با نظام و دولت بوده‌اند دلایل قانع کننده را هم خواهند پذیرفت.

عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات افزود: برخی از رفتارهای مردم حکایت از آن دارد که از توضیحات ما قانع نیستند و لذا به گونه‌ای دیگر عکس العمل نشان می‌دهند. نمازی به نقش صدا و سیما در تشکیل میزگرد با شرکت احزاب رسمی و قانونی و تشکل‌ها و جناحها و طرح مسائل اساسی، تأکید کرد و گفت: پس از طرح مسائل، نظرات در مرکز مطالعات استراتژیک جمع بندی گردد. سپس نظریات به اثبات رسیده خارج از کشور، در این مرکز بومی شده و با در نظر گرفتن جمع بندیهای فوق، در اختیار دولت و مجلس برای تهیه طرحها و لوایح قرار گیرد.

نمازی در پایان تأکید کرد برخورد خشونت آمیز راه حل این گونه معضلات اجتماعی نخواهد بود و بهترین راه رسیدن به نقاط مشترک است. مردم وفادار و خوبان مواظب باشند از افراط و تفریط پرهیز نموده و راه اعتدال را در بیان نظرات خویش در پیش گیرند.

جمهوریت ها و اسلامیت های متفاوت در بین مسؤلان

به گفته حجت الاسلام ذاکری نماینده قوچان مهمترین معضل جمهوری اسلامی از اوایل انقلاب تاکنون عدم تفاهم گردانندگان و افراد مؤثر نظام در مسئله مربوط به جمهوریت و اسلامیت نظام است.

وی گفت: برداشت همه افرادی که در اداره کشور مؤثر هستند از جمهوریت یکسان نیست کما اینکه در بسیاری از مسائل حکومتی از جنبه اسلامی بودنش اختلاف نظرهایی قبل از انقلاب بوده و هنوز هم وجود دارد. عضو کمیسیون فرهنگی افزود:

مهمترین مسئله قبل از انقلاب حتی در بین علمای حوزه، این بود که آیا اسلام دارای سیستم حکومتی هست یا خیر. بر همین مبنا عده ای معتقد بودند که با رژیم طاغوت باید مبارزه کنند. کسانی هم که با رژیم طاغوت مبارزه نمی‌کردند ادعایشان این بود که اساساً در دوران غیبت امام زمان(عج) مسئله ای به نام حکومت اسلامی نداریم.

ذاکری افزود: به هر حال بعد از تحقق جمهوری اسلامی متأسفانه، تا امروز در بسیاری از مسائل سیاسی، مالی، قضایی و حکومتی اختلافات شدیدی وجود داشته است و بخش عمده ای از مشاجرات بین شخصیت های رده بالای نظام به همین گونه مسائل برمی‌گردد که فهم و برداشتشان از پارهای مسائل از منظر دین یکسان نیست.

ذاکری گفت: بهترین راه حل برای کمتر شدن اختلافات در خود قانون اساسی که عامل توازن و فصل الخطاب باید تلقی شود، مشخص شده است، همچنین نظراتی که شورای نگهبان اعلام خواهد کرد و پیرامون موضوعات قانونی است. ولی مسائل فکری به صرف بیان برداشتی از سوی شورای

نگهبان هم در بسیاری موارد قانع کننده نیست. درست است که بنای اجرا، نظرات آنهاست اما باید راهکارهای اقتاعی پیدا کرد که دیگران هم آن نظرات را بپذیرند.

حجت الاسلام ذاکری یکی از راه‌حلهای کاهش اختلافات را در بحثهای طلبگی و مذاکره و مناظره افراد مخالف هم، دانسته و گفت: تربیونهای یکطرفه را تبدیل به دوطرفه کردن و مسائل را به قضاوت افکار عمومی گذاشتن یک راه حل است. مثلاً آقای مصباح یزدی که در حال حاضر نظریه پرداز بسیاری مسائل شده و خیلی‌ها هم آن نظرات را قبول ندارند، تا کی باید به صورت مبهم و کلی و از تربیونهای خاصی به صورت یک طرفه مطرح شود؟ بایستی این نوع مسائل به بحث و مناظره گذاشته شود و در جهت کم کردن اختلافات فکری تلاش کنیم و قضاوت افکار عمومی رافع مشکلات باشد.

استقلال و تقویت قانون و کلا در طرح اصلاحی

اصلاح ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه در دستور کار جلسه علنی ۲۹ مهرماه قرار گرفت و دو فوریت آن به رأی گذاشته شد و به تصویب رسید. اما بواسطه مخدوش شدن رأی گیری و بررسی طرح به جلسه علنی بعد موکول شد و عده‌ای از نمایندگان نیز خواستار تبدیل قید دو فوریت طرح اصلاح ماده ۱۸۷ به یک فوریت آن شدند. در جلسه علنی روز دوم آبان ماه با اعتراض تعدادی از نمایندگان به مخدوش بودن آرای سلب یک فوریت از طرح مذکور جو مجلس برای دقایقی ناآرام شد. رئیس مجلس آقای کروبی نیز گفت: شما مجلس را سیاسی کردید که نتیجه اش همین می شود کمتر سیاسی کنید تا این اتفاق‌ها نیفتد.

لازم به ذکر است نامه‌ای به تاریخ ۱۹، ۷، ۸۰ از سوی سیدمحمدحسن مرعشی معاون قضایی رئیس قوه قضاییه برای کروبی ارسال شد که طی آن خواستار جلوگیری از طرح اصلاح ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه در مجلس گردید. در این نامه قید شده است به موجب ماده مذکور قوه قضاییه مکلف شده به منظور دسترسی عموم مردم به امور حقوقی و ایجاد اشتغال برای فارغ التحصیلان، تسهیلات لازم را فراهم نماید. همچنین در این نامه قید شده که قانون و کلا علیرغم عمر چهل ساله اش نتوانسته است مشکلات حقوقی جامعه را حل کند.

در ماده ۱۸۷ قید شده بود که دولت برای تأسیس مؤسسات مشاوره حقوقی صلاحیت فارغ التحصیلان رشته حقوق را بررسی کند تا آنها بتوانند دفاتر مشاوره حقوقی تأسیس کرده و به عنوان وکیل در محاکمه حاضر شوند. به گفته گلپاز، در زمان مجلس پنجم کمیسیون قضاییه به لحاظ نظر بعضی دوستان، ماهیت ماده عوض شد و اجرای آن به قوه قضاییه واگذار گردید.

وی ادامه داد: در کمیسیون تلفیق نیز تلاش کردیم تا ماده ۱۸۷ به صورت اولیه به دولت ارایه شود ولی به لحاظ اقلیت بودن، موفق به جلوگیری از این خطای قانون گذاری نشدیم و از نظر مسائل سیاسی سخن ما به جایی نرسید.

گلپاز گفت: مجلس در سال گذشته برای اجرای این ماده قانون بودجه‌ای اختصاص نداد ولی اکنون مشخص نیست که دستگاه قضایی از کجا پول آورده که ساختمانی تهیه و هیأت اجرایی تشکیل داده و در حال اخذ مدارک

فارغ التحصیلان رشته حقوق است.

گلپاز افزود: قوه قضاییه علاوه بر فارغ التحصیلان رشته حقوق، طلاب علوم دینی و لیسانسیه‌های فقه با گرایش حقوق را نیز اضافه کرده و از ماده ۱۸۷ عدول نموده است وی این را یک فاجعه قانونگذاری عنوان کرد.

نماینده طالقان ضمن اشاره به جایگاه مستقل قانون و کلا گفت: نماینده ویژه سازمان ملل نسبت به سپردن امر وکالت به حکومت، به ما اعتراض کرده است. نوبخت دیگر نماینده موافق با اصلاح طرح گفت: ماده ۱۸۷ نه تنها باعث نادیده گرفتن جایگاه یک نهاد قانونی و مدنی مثل قانون و کلا شده بلکه سبب مخدوش شدن جایگاه جمهوری اسلامی در عرصه‌های بین المللی نیز شده است.

نماینده رشت افزود: اصولاً جایگاه وکلا در سیستم قضایی ما نادیده گرفته می شود و با اشاره به حذف دادسراها از سیستم قضایی گفت: با مخدوش کردن جایگاه وکالت یکبار دیگر اشتباه بزرگی مرتکب نشویم. مزروعی نماینده اصفهان به عنوان موافق، اجرای ماده ۱۸۷ را تضعیف یکی از نهادهای مدنی به شمار آورد که باعث می شود امر وکالت زیر چتر حاکمیت برود و دفاع از مردم نیز حکومتی شود.

قربانی نماینده قائنات نیز ضمن انتقاد از رئیس قوه قضاییه در مورد تعلل در اجرای این ماده قانونی، به عنوان مخالف دو فوریت سخن گفت. وی هزینه اجرای این ماده را از محل ۲۶ میلیارد تومان اعتبار قوه قضاییه در برنامه سوم ذکر نمود. (۸۰/۷/۲۹)

در جلسه علنی ۱ آبانماه برخی نمایندگان خواستار تبدیل قید دو فوریت به یک فوریت طرح شدند.

مجیدانصاری به عنوان موافق پیشنهاد، با اشاره به گران بودن تعرفه وکالت و عدم دسترسی مردم شهرهای مختلف به وکیل گفت: تاکنون از سوی قانون وکلا برای حل این مشکل قدمی برداشته نشده است. انصاری ضمن موافقت با اصلاح ماده ۱۸۷ گفت: اختیار تعیین وکیل از سوی قوه قضاییه استقلال قانون وکلا را مخدوش می کند.

وی برای تسریع و تسهیل در تصمیم گیری پیشنهاد نمود هیأتی مرکب از نمایندگان مجلس، رئیس جمهور و قانون وکلا بر امر وکالت و تعرفه آن نظارت داشته باشند. عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات افزود: در صحبتی که با وزیر دادگستری داشته، قوه قضاییه برای تعدیل موضوع اعلام آمادگی کرده است.

امینی عضو کمیسیون قضایی نیز فلسفه دو فوریتی شدن طرح را نحوه اجرای آئین نامه اجرایی این قانون توسط قوه قضاییه دانست. زیرا قوه قضاییه اقدام به انتشار آگهی برای ارائه مجوز تأسیس مؤسسات مشاوره کرده که در صورت اینکار مشکلاتی به وجود می آید.

وی افزود: کسانی که می خواهند از قوه قضاییه مجوز وکالت بگیرند بعد از چندسال نیاز به تجدید پروانه دارند و لذا آنها نمی توانند از استقلال کافی برای دفاع از موکلین خود برخوردار باشند.

عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در اظهار نظر دیگری گفت: ایجاد نهادهای موازی برای انجام کارهایی که از طریق نهادهای مدنی انجام می شود تجربه خوبی در ایران و هیچ کجای دنیا نداشته است.

شوشتری وزیر دادگستری درخصوص طرح گفت: در ایران هیچ تناسبی بین تعداد وکلا و جمعیت وجود ندارد و حق الوکاله آنقدر زیاد است که مردم توان اختیار وکیل ندارند.

وی گفت: اگر کانون وکلا بخواهد وکیل انتخاب کند حالت انحصاری باقی می ماند.

در پایان جلسه، رأی گیری برای سلب فوریت طرح انجام شد که به تصویب نرسید. اما از نمایندگان در نحوه رأی گیری ابراز تردید کردند که سرانجام در جلسه ۲۲ بانامه اعتراض مزروعی و گلپاز نسبت به رویه رأی گیری با قیام و قعود، به جایی نرسید و آقای کروی تصویب سلب یک فوریت را اعلام کرد. لازم به ذکر است رئیس قوه قضائیه با تأکید بر اجرای این ماده آن را در راستای توسعه فرهنگ قضایی در کشور توصیف نمود که برای رفع نیازهای خدماتی مردم در زمینه های مشاوره حقوقی و قضایی و امور کارشناسی اقدامی مؤثر است، و این لایحه بستری مناسب برای اشتغال فارغ التحصیلان می باشد.

شاهرودی این ادعا را که استقلال وکیل زیر سؤال می رود را رد نموده است. (آفتاب یزد ۸۰/۷/۱۲)

قوامی در یک اظهار نظر گفت: اگر قوه قضائیه کانونهای مشاوره حقوقی را تشکیل بدهد آن هم با آن دامنه وسیع از دارندگان لیسانس حقوق و گرایشهای الهیات و تفسیر و فقه و حدیث و حتی روحانیون، کار تخصصی را از بین می برد.

قوامی پیشنهاد اصلاح قانون کانون وکلا را مطرح نمود که آن را به حالت انبساطی برگرداند و حالت انحصار برداشته شود دیگر لزومی به تشکیل یک کانون موازی نباشد و ماده ۱۸۷ حذف شود.

ابراهیم امینی نیز در راهرو مجلس به خبرنگاران پارلمانی پیرامون طرح مذکور گفت: تصمیم هیأت مشترک مجلس و قوه قضائیه بر این بود که اگر اجرای این ماده از سوی قوه قضائیه به تعویق بیفتد طرح نیز مسکوت گذاشته شود و کار کارشناسی بیشتری بر روی آن صورت بگیرد. به گفته وی آقای مروی معاون رئیس قوه قضائیه نیز بر حالت بینابینی تأکید داشته است.

نیاز به اقتدار در برنامه ریزی

طاهری نجف آبادی در نطق پیش از دستور جلسه علنی ۷،۲۹ پیرامون سازمان مدیریت و برنامه ریزی مطالبی را مطرح نمود.

وی گفت: به جای آنکه استراتژیها و سیاستها از سوی سازمان مدیریت به سمت دستگاههای اجرایی سیر کند، این موضوع خصوصاً در بیست ساله اخیر اغلب بالعکس بوده و متأسفانه غالباً سلیقه ای و غیر کارشناسانه عمل گردیده است.

رئیس کمیسیون انرژی مجلس با ذکر این نکته که چه کسی پاسخگوی کارخانه های متوقف نساجی - کارخانه های بزرگ بی هدف و بی مصرف سیمان - کارخانجات فرش ماشینی بی حساب و سوله های خالی باوامهای دریافت شده و قراردادهای کلان، بدون توجه به امکانات و توان داخلی و مقروض نمودن کشور است، به عدم وجود سازمانی مقتدر در رأس مدیریت و برنامه ریزی کشور اشاره کرد.

وی در پایان ابراز امیدواری کرد که سفر رهبری نظام در شهر فقیه پرور و

شهید پرور نجف آباد، در رفع معضلات بیکاری و خشکسالی و فقر و بهبود امنیت و رفع مشکلات سیاسی منطقه از جمله رفع حصر و حبس مؤثر واقع گردد.

ریشه وقایع اخیر را باید در داخل جستجو کرد

میثم سعیدی در نطق پیش از دستور جلسه علنی ۸،۸،۸۰ به ریشه یابی وقایع اخیر شهرها از نظر امنیت ملی پرداخت.

وی که اصلاحات را نه یک بحث صرفاً فلسفی و نظری بلکه ضرورت امنیت ملی مطرح نمود، گفت: یکطرفه رفتن و به نظر دیگران توجه نکردن دقیقاً در تقابل و تعارض با عناصر راهبردی اصلاحات است.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس خاطر نشان کرد: از اینکه اتفاقات اخیر را نباید صرفاً با عینک سیاسی دید تردیدی نیست، اما نمی توان به ریشه های سیاسی آن بی توجه بود.

از دیدگاه وی ریشه های اصلی ماجراها را باید در داخل جستجو کرد.

سعیدی در توضیح ادامه داد:

هنگامی که استحصال خشن و بی رویه از مفاهیم و ارزشهای دینی می کنیم، هنگامی که مشارکت شهروندان را در چارچوب قانون بر نمی تائیم، هنگامی که مطبوعات و روزنامه نگاران خود را بیگانه می بنداریم، هنگامی که مخالفین قانونی خود را برانداز می خوانیم، هنگامی که میزان رأی ملت نمی دانیم، هنگامی که نهادهای غیر سیاسی را سیاسی می کنیم و دغدغه های نسل جوان را نمی شناسیم و قضاوت ما ماهیت سیاسی به خود می گیرد، هنگامی که در زندگی خصوصی مردم دخالت های ناروایی کنیم، هنگامی که شادمانی مردم را دیر به رسمیت می شناسیم، هنگامی که رسانه ملی خود را رسانه یک جناح خاص می کنیم، هنگامی که نه تنها تخطئه بلکه انتقاد را موهبت الهی نمی دانیم، هنگامی که به منتخبان ملت احترام نمی گذاریم، هنگامی که عدالت در پاسخگویی و شفافیت را نمی خواهیم و هنگامی که گروههای مرجع را زخمی می کنیم و بسیاری از نابسامانیهای دیگر همه و همه عوامل مؤثر در ایجاد ناکارآمدی و سلب اعتماد از مردم می شود که باید برای تک تک آنها چاره جویی کرد.

سعیدی در پایان در رابطه با جمع آوری آنتن های ماهواره ای متذکر شد: بیاید بجای اتخاذ استراتژی ممانعت شهروندان، استراتژی مصونیت را بسط و تعمیق دهیم.

پاورقی

* مصوبات شورای عالی امنیت یک قانون نیست که مسؤلیت اجرا و

نظارت بر حسن اجرای آن به عهده قوه قضائیه باشد.

* پاورقی سخنان پورقانی:

اصل هفتم (شوراها) اصل هشتم (امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی) اصل نهم (آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند.)

اخبار استراتژیک داخلی

لابی صهیونیستی، مانع ارتباط ایران
و آمریکا

همبستگی
۸۰/۷/۸۶

سردار حسین [محسن] رشید رئیس مرکز
مطالعات و تحقیقات جنگ در گفتگو با ایسنا
گفت:

حضرت امام در برخورد با آمریکا شروع کننده نبود ولی ابتکار عمل را در دست داشت. مثلاً در ماجرای قطع رابطه آمریکا با ایران، این آمریکایی‌ها بودند که اقدام به این عمل کردند و علیرغم تنفر عمومی مردم از سیاست‌های دولت آمریکا در دوران سلطنت پهلوی و علیرغم شعار عمومی مردم که می‌گفتند بعد از شاه نوبت آمریکاست، هرگز امام خمینی در قطع رابطه با آمریکا پیشقدم نشد بلکه آمریکایی‌ها که می‌خواستند پرستیژ تهاجمی علیه انقلاب داشته باشند، اقدام به قطع رابطه کرده و کوشیدند که از این حربه تبلیغی علیه ایران استفاده کنند. لیکن بلافاصله حضرت امام با یک موضعگیری استادانه و با استقبال از قطع این رابطه، به آمریکایی‌ها تفهیم کرد که اگرچه قطع رابطه با ابتکار آنها صورت گرفته و لیکن ارتباط مجدد حتماً با ابتکار عمل ایران خواهد بود. می‌بینید که حدود بیست سال است آمریکایی‌ها در پی برقراری مجدد ارتباط هستند، لیکن همچنان منتظر پاسخ مثبت ایران می‌باشند... وقتی امام به عراق تبعید شد، رژیم عراق برای بهره‌برداری از این اتفاق، خواست در تشکیک حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه خلیج فارس از امام تأییدیه‌ای مبنی بر غیرقانونی بودن حاکمیت ایران بر این جزایر را بگیرد اما به جایی نرسید و این مسئله نشان می‌دهد اگر چه امام انسانی آرمانی بود و به جهت آرمان‌گرایی خود با رژیم شاه مخالفت می‌کرد لیکن هر روشی را برای دست‌یابی به آرمان تجویز نمی‌کرد.

حضرت امام کلان‌نگر بود... سطح مدیریت امام استراتژیک بود. گرچه گاهی اوقات اشارات

**لابی صهیونیستی همواره
مخالف نزدیکی آمریکا با
ایران در بعد از انقلاب بوده
است و در برابر هر اتفاقی
که منجر به نزدیکی این دو
کشور شود واکنش تندی
نشان داده، به همین دلیل
اسرائیل همواره مانعی برای
نزدیکی دو کشور بوده
است، با این تحلیل ریشه
شکست سفر مک‌فارلین نیز
قابل بررسی است.**

**اگر نمایندگان مجلس با
اقدامات خود موجبات
انحراف نظام را فراهم
آورند. آیا ضمانتی برای
جلوگیری از تحقق این
انحراف وجود دارد؟ طبق
قانون اساسی، ولی فقیه
مشروعیت بخش همه ارکان
نظام است... لذا اولین
ضامن جلوگیری از انحراف
نظام، شخص ولی فقیه است
که با اعمال نظارت به این
وظیفه خویش عمل
می‌کنند.**

ایشان نشان از اشرافشان به به جزئیات داشت، امام به نظرات کارشناسی توجه کافی می‌نمود. به همین دلیل در پاره‌ای از مقاطع جنگ ملاحظه می‌شود که امام نظرات دیگران را که مخالف نظر وی بوده تجویز کرده است. به عنوان مثال در جریان ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر شواهد و قرائن موجود حکایت از آن دارد که امام به ادامه جنگ بعد از خرمشهر تمایلی نداشته است. اما دلایل کارشناسان، حضرت امام را متقاعد می‌کند که به گونه دیگری عمل نماید. به هنگام حضور ناوگانهای آمریکا در خلیج فارس خبرها حاکی از آن است که امام معتقد بود که باید به اولین ناو آمریکایی که به عنوان تهدید حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس از تنگه هرمز عبور می‌کند حمله شود، ولی کارشناسان مخالفت می‌کنند و حضرت امام علیرغم راسخ بودن بر دیدگاه خویش، عملی شدن نظرات کارشناسان سیاسی را تجویز می‌نماید.

سردار رشید درباره حضور مک‌فارلین در ایران گفت: نحوه اقدام آمریکا منجر به دستور حضرت امام مبنی بر عدم مذاکره مسئولین در چه یک نظام با مک‌فارلین شد. اما این مسئله حضور وی را در تهران نفی نمی‌کند، مسأله‌ای که در صورت مصلحت، روزی مسئولین درباره آن سخن خواهند گفت. علت افشای جریان مک‌فارلین از زاویه دیگری نیز قابل تحلیل است و آن اینکه اگر ما در نظام آمریکا دولایی یهودی و مسیحی فرض کنیم و برخورد دوگانه آنان را در حوادث اخیر بررسی نماییم، لابی صهیونیستی همواره مخالف نزدیکی آمریکا با ایران در بعد از انقلاب بوده است و در برابر هر اتفاقی که منجر به نزدیکی این دو کشور شود واکنش تندی نشان داده، به همین دلیل اسرائیل همواره مانعی برای نزدیکی دو کشور بوده است، با این تحلیل ریشه شکست سفر مک‌فارلین نیز قابل بررسی است. بین زمان حضور مک‌فارلین در تهران و زمان افشای آن که به دستور امام انجام شد، فاصله زیادی است و این سؤال می‌تواند مطرح باشد که

امام به رغم مخالفت با مذاکره با مک‌فارلین چرا به افشای هم‌زمان آن دستور نداد. شاید پاسخ به این سؤال کمی دشوار باشد ولی تأمل در آن آموزنده است. آنچه مسلم است زمانی دستور به افشای آن داده شد که عناصر مشکوک به همکاری با اسرائیل در صدد سوءاستفاده از این واقعه برآمدند و خبر محرمانه را در یکی از روزنامه‌های منطقه افشاء کردند که البته گفته شده که خبر از سوی افراد وابسته به سیدمهدی هاشمی در اختیار نشریه الشراع قرار گرفت و این مسأله با هدف در انفعال قرار دادن مسئولین جمهوری اسلامی، صورت گرفته بود. حضرت امام لازم دیدند که بار دیگر ابتکار عمل را به دست گیرند و دستور دادند که با افشای این موضوع، دشمن را از به دست‌گیری ابتکار عمل در صحنه سیاسی محروم سازند و این اقدام، برنامه دشمن را که می‌رفت یک بحران سیاسی برای ما ایجاد کند، به یک نمایش از پرستیژ ملی تبدیل کرد.

غرض‌ورزی علیه امنیت و وحدت ملی؟!

جام جم ۸۰/۸/۳

احمد توکلی در مورد تذکر قانون اساسی رئیس‌جمهوری به رئیس‌قوه قضائیه گفت: ... به نظرم در این شرایط طرح مباحثی که وحدت ایجاد شده را خدشه‌دار کند، غلط است. البته اینکه آقای رئیس‌جمهور طبق وظیفه، نامه‌ای به رئیس‌قوه دیگری بنویسد، اشکالی ندارد. اما انتشار این نامه، خطای اول یا خدای ناخواسته غرض‌ورزی علیه امنیت و وحدت ملی بود و اگر جای جناب آقای شاه‌رودی بودم پاسخ نامه رئیس‌جمهوری را بطور خصوصی می‌دادم...

ظرفیتهای خالی قانون اساسی از نگاه فیروز اصلانی

فیروز اصلانی در گفتگو با رسالت ۸۰/۷/۱۸ و ۸۰/۷/۲۱

... این مفهوم [براندازی خاموش] یک مفهوم جدیدی است که دنبال انفجار از درون است. براندازی خاموش مفهومی بین کودتا و انقلاب است. از این حیث که مؤلفه‌هایی از هر دوی اینها را در خود دارد. به این معنی که در براندازی خاموش به آن معنای کودتا اعراب و

هرگز امام خمینی در قطع رابطه با آمریکا پیشقدم نشد بلکه آمریکایی‌ها که می‌خواستند پرستیژ تهاجمی علیه انقلاب داشته باشند، اقدام به قطع رابطه کرده و کوشیدند که از این حربه تبلیغی علیه ایران استفاده کنند.

در جریان ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر شواهد و قرائن موجود حکایت از آن دارد که امام به ادامه جنگ بعد از خرمشهر تمایلی نداشتند است. اما دلایل کارشناسان، حضرت امام را متقاعد می‌کند که به گونه دیگری عمل نماید.

گزارش روزنامه «سان» همراه با تصویر بزرگی از سیدمجید خویی فرزند مرحوم آیت‌الله العظمی خویی است که نشان می‌دهد وی در حال ورود به اقامتگاه تونی بلر می‌باشد.

وحشت‌آفرینی مشاهده نمی‌شود اما عنصر خواص خائن در هدایت آن به شدت دخیل و سهیم است. این حضور خواص وجه تشابه بین کودتا و براندازی خاموش است.

آقای اصلانی در پاسخ به این پرسش که آیا براندازی نظام از طریق قانونی رسمیت دارد و آیا این ظرفیت در قانون اساسی وجود دارد؟ پاسخ می‌دهد: نظام اسلامی نظامی متکی بر آرای عمومی ملت است که در اصل ۶ قانون اساسی به این امر تصریح شده است که در نتیجه انتخابات یا همه‌پرسی قابل حصول است. عناصر برانداز با سوءاستفاده از این ظرفیت قانونی نظام اسلامی، فکر کرده‌اند می‌توانند نظام را از درون دچار استحاله بکنند... غافل از اینکه در هیچ نظام سیاسی در دنیا قانون‌گذاران قانون اساسی آن، نمی‌آیند نقض غرض نظام را درون قانون مادر، تأمین کنند... ایشان در پاسخ به این سؤال که قانون اساسی در خصوص انحلال مجلس عبارت صریحی ندارد اما می‌دانیم که مجلس بدون حضور شورای نگهبان اعتبار ندارد، آیا این اصل نوعی اجازه تلویحی برای انحلال مجلس نمی‌تواند تلقی شود؟ پاسخ می‌دهد: موضوع انحلال مجلس در بسیاری از نظامها پیش‌بینی شده است اما در قانون اساسی چون آنگاه به آراء عموم مورد توجه بوده، این حق به کسی حتی رهبری هم داده نشده یا حداقل این امر بصورت صریح بیان نشده است. اما اگر نمایندگان مجلس با اقدامات خود موجبات انحراف نظام را فراهم آورند، آیا ضمانتی برای جلوگیری از تحقق این انحراف وجود دارد؟ طبق قانون اساسی، ولی‌فقیه مشروعیت بخش همه ارکان نظام است... لذا اولین ضامن جلوگیری از انحراف نظام، شخص ولی‌فقیه است که با اعمال نظارت به این وظیفه خویش عمل می‌کنند.

روزنامه رسالت در پایان این گفتگو سؤال می‌کند: «عدم تبیین توانائیهای بالقوه قانون اساسی در مواجهه و حل بحرانهاست که زمینه بسیاری از سوءاستفاده‌ها را فراهم ساخته است. دلیل عدم حضور صاحب‌نظران متعهد کشور در عرصه تبیین این توانائیهای بالقوه چیست؟» ایشان پاسخ می‌دهد: ... جو سیاسی جامعه که حتی فضای علمی را تحت تأثیر خود قرار داده

مانع از ابراز نظر حقوقدانان می‌شود. چون می‌دانند که بعد از هر اعلام حرف حقی باید منتظر برخوردهای مختلف باشند...

ملاقات نخست‌وزیر انگلیس و رهبران مذاهب

نوروز ۱۸/۷/۸۰

«تونی بلر» نخست‌وزیر انگلیس در جریان ملاقات خود با ۲۰ تن از رهبران مذاهب مختلف در بریتانیا به بحث و تبادل نظر پرداخت. روزنامه «سان» چاپ لندن در شماره دیروز خود در این باره نوشت: بلر در این گفت‌وگوها نظرات رهبران مذاهب مختلف در بریتانیا را درباره مسائل اخیر جویا شد.

گزارش روزنامه «سان» همراه با تصویر بزرگی از سیدمجید خوبی فرزند مرحوم آیت‌الله‌العلوی خوبی است که نشان می‌دهد وی در حال ورود به اقامتگاه تونی بلر می‌باشد.

ناهمگونی سیاست باز خارجی و سیاست بسته داخلی

سخنرانی آقای محتشمی در اردوی سالیانه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران

تابستان ۱۳۸۰

... امام می‌فرمود، ما با هیچ کشوری دشمنی نداریم و با همه رابطه برقرار می‌کنیم. اما اجازه نمی‌دهیم که هیچ کشوری در مسائل داخلی، دخالت کند. علیرغم همه مشکلات رابطه با آمریکا حتی تا پس از سال ۵۸ و با وجود درگیری‌های خیابانی و ماجرای کردستان، گنبد و خوزستان که حکومت به این نتیجه رسید که تحریک‌ها از طرف آمریکاست باز هم رابطه قطع نشد، تا اینکه تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان صورت گرفت. در این هنگام مدارک فراوانی دال بر رابطه آمریکا در حوادث قبل و بعد از انقلاب بدست آمد. البته همه سفارت‌خانه‌ها اینگونه اقدامات را انجام می‌دهند و اینها توسط دیپلماتها صورت می‌گیرد. به محض اینکه کشورها به روابط مشکوک دیپلماتها پی ببرد عذر آنها را می‌خواهند. اما باز هم ایران قطع رابطه نکرد تا در سال ۵۹ بعد از ۶ ماه از جریان سفارت آمریکا قطع رابطه کرد. ما حتی در زمان جنگ با عراق قطع رابطه نکردیم. هم‌ما در عراق

دوره بعددوره آقای هاشمی بود. ایشان عنوان می‌کردند که بنده به اندازه کافی سیاسی هستم و کابینه بنده کابینه کار است. پیرو آن سیل بخشنامه‌ها به ادارات، وزارت‌خانه‌ها، دانشگاهها و ... سرانیز شد که هیچکدام حق ندارید در مسائل سیاسی دخالت کنید و برنامه‌های سیاسی برگزار کنید.

سفارتخانه داشتیم و هم عراق در ایران. فقط در دو مورد اسرائیل و آفریقای جنوبی، ایران در قطع رابطه قدم پیش گذاشت...

ما بعد از پیروزی انقلاب چند دوره داشتیم: یکی از ابتدای انقلاب اسلامی تا ابتدای دولت آقای هاشمی که در این دوره اصل در سیاست خارجه بر پایه منافع کشور و جلوگیری از سلطه بیگانگان و در ضمن حفظ منافع ما در دنیا بود. در این دوره علیرغم اینکه مدیریت سیاست خارجی ما موفق نبود، اما خود سیاستها حساب شده بودند. در واقع در دوران مهندس موسوی، ما کمیته تدوین سیاست خارجه داشتیم. دوره بعد دوره آقای هاشمی بود. ایشان عنوان می‌کردند که بنده به اندازه کافی سیاسی هستم و کابینه بنده کابینه کاراست. پیرو آن سیل بخشنامه‌ها به ادارات، وزارت‌خانه‌ها، دانشگاهها و ... سرانیز شد که هیچکدام حق ندارید در مسائل سیاسی دخالت کنید و برنامه‌های سیاسی برگزار کنید. حتی خود بنده به یک اردوی دانشجویی در دانشگاه تربیت معلم دعوت شدم که با درهای بسته مواجه شدم و از پشت در با بلندگوی دستی سخن گفتم. این در حالی بود که سیاست دولت این بود که به هر ترتیبی شده با کشورهای دیگر رابطه برقرار

کنیم. در حالی که سیاست باز خارجی و سیاست بسته داخلی به هیچ‌وجه همگون نیستند. در همین راستا دعوتی نیز در زمینه سفری خارجی از ما صورت نگرفت و در دوران هشت ساله جز چند سفر به کشورهای آفریقایی و کوچک منطقه صورت نگرفت. یعنی نه در سیاست داخلی موفق بودیم نه در سیاست خارجی.

آقای محتشمی در پاسخ سؤالی در مورد مسئله فلسطین اظهار داشت: در مجلس چهارم که به ریاست آقای ناطق نوری بود، ایشان در جواب نماینده‌ای ذکر کردند که ما مسئله فلسطین را بسیار جدی‌تر از مجلس سوم دنبال خواهیم کرد. اما آقای هاشمی در جلسه شورایعالی امنیت ملی عنوان کردند از آنجا که ما سیاستمان برقراری رابطه با همه کشورهای جهان است هر موردی که سبب مخدوش شدن این سیاست شود، باید مسکوت بماند. در نتیجه مسئله فلسطین نیز در این هشت سال خاموش و بی‌فروغ ماند. فقط موضع‌گیریها در حد اعتراض علیه عرفات بوده است. ما نه تنها مسئله فلسطین را در این هشت سال رها کردیم، بلکه امام را نیز رها کردیم، بطوری که الان در جامعه نسبت به امام شناخت زیادی وجود ندارد.

آقای توکلی و جمهوری دوم (تلخیص)

یکی از شعارهایی که در جریان هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری جلب توجه کرد، شعار تحقق جمهوری دوم از سوی آقای احمد توکلی بود.

براساس تعریفی که در ادبیات سیاسی از «جمهوری» می‌شود، حکومت جمهوری یک حکومت قانون‌مدار است که نمی‌تواند بدون رویه قانونی به حیات خود ادامه دهد.

بستر این قانون‌مداری، قانون اساسی هر کشور است. با وفاداری به کلیت نظام جمهوری، هر تغییر جدی و مهم در قانون اساسی بسترساز یک جمهوری در دل نظام کلی تلقی می‌گردد.

به اعتبار آنچه گفته شد در انقلاب اسلامی ایران، جمهوری اول از ۱۲ فروردین ۵۸ با طی مراحل تثبیت شد.

با بازنگری در قانون اساسی سال ۵۸، و با تغییرات نسبتاً درخور توجه در برخی اصول آن

جمهوری دوم عملاً از سال ۶۸ به بعد آغاز گردید.

با تغییرات ایجاد شده در قانون اساسی و همچنین در نحوه مدیریت کلان کشور و تغییراتی که در روابط و مناسبات اجتماعی حاصل شد، همگی از آنچنان وضوحی در نزد مردم برخوردار است که تفاوت این دو دوره کاملاً قابل تمیز از یکدیگر است. مانند رویکرد جدی به وام و استقراض خارجی، نمود بیشتر آزادیهای اجتماعی و محدودیت بیشتر آزادیهای سیاسی، دیپلماسی پنهان و رایزنیهای پشت پرده و... در نتیجه کاهش چشمگیر مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۲ به ۳۲/۵ درصد واجدین شرایط در طول حیات انقلاب اسلامی، و حصول این نتیجه یعنی پایان عمر جمهوری دوم.

در هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری مردم در یک انتخاب زیرکانه و آگاهانه با رأی بیست میلیون خود به سید محمد خاتمی همه جهانیان را در بهت و حیرت فرو بردند و اعتراض خود را به وضعیت موجود با آرای قانونی خود اعلام کردند. بدلیل تفاوت ماهوی شعارها و عملکرد خاتمی با سایر رقبا، در واقع جمهوری سوم به شکل غیررسمی از دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی، دوم خرداد ۷۶، آغاز شد. انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری، رأی به ادامه حیات جمهوری سوم یعنی تداوم اصلاحات بود. با توجه به آنچه گذشت، در حالی آقای توکلی شعار جمهوری دوم را مطرح کرد که ۱۲ سال از شروع آن گذشته و چهار سال پیش از آن، بطور غیررسمی پایان یافته بود. گرچه به اعتبار تغییرات به عمل آمده در قانون اساسی، کماکان در دوران جمهوری دوم بسر می‌بریم، اما اگر آقای توکلی با نگرش علمی و اجتماعی و سیاسی عمیق دنبال تحول بودند، تحولی که او را متفاوت از گذشته نشان دهد، باید شعار جمهوری سوم و یا جمهوری چهارم را می‌دادند، نه جمهوری دوم.

مجتبی بدیعی

آمریکا و فراقحنی بحران از درون به بیرون
حزب راشدین کردستان ایران طی بیانیه‌ای

ضمن محکوم نمودن تروریسم و واقعه یازده سپتامبر در آمریکا و نیز حمله نظامی آمریکا به افغانستان به تحلیلی از اوضاع جهان و منطقه پرداخته و معتقد است ریشه تروریسم در درون نظام سرمایه‌داری جهانی و خود آمریکاست. اما آمریکا با فراقحنی ماهرانهای سعی دارد بحران را از درون به بیرون منتقل کرده و سناریویی با اولویت‌های زیر اجرا نماید:

۱- خارج کردن اقتصاد در حال رکود کشورهای آمریکا، ژاپن و دیگر کشورهای صنعتی از طریق اقدام به تغییر و تحول در منطقه تا بدین طریق جان تازه‌ای به کالبد اقتصاد در حال موت بدمد.

۲- احیاء زمینه بهره‌گیری از مسیر افغانستان، پاکستان، بنبال شکست طرح انتقال نفت و گاز از طریق دریای خزر.

۳- با توجه به اینکه جهت تأمین امنیت افغانستان نیاز به یک دولت از یک طرف دوست و حامی غرب و از طرف دیگر معتدل و زیرسلطه پاکستان است. بنابراین باید برای تحقق این سناریوی جدید در افغانستان نیروهای رادیکال در گروه طالبان و در جبهه شمال افغانستان تعدیل شوند که در این رابطه مجاهد فقید احمدشاه مسعود که تنها فرد مخالف حضور بیگانگان در افغانستان می‌باشد از معادله سیاسی آینده حذف شود (که همانطور نیز شد). گروه طالبان نیز باید نیروهای تندرو درون خود مثل (بن لادن) را از صحنه معادلات سیاسی حذف کند در غیر اینصورت با مشکل سرنگونی مواجه خواهد شد.

۴- آمریکا و انگلیس می‌خواهد با حضور خود در منطقه آسیای میانه مانع شکل‌گیری یک قطب جدید به محوریت چین، هندوستان و روسیه و دیگر کشورهای آسیایی و از همه مهمتر اینکه مانع انتقال تکنولوژی اتمی به دیگر کشورهای رادیکال منطقه بشود.

۵- آمریکا و انگلیس به عنوان ژاندارم جهانی باید در منطقه خاورمیانه و آسیای میانه حضور داشته باشند تا مانع دخالت دولتهای رادیکال در جهت دست‌یابی به یک صلح در منطقه خاورمیانه شوند چرا که بنظر ما منطقه خاورمیانه به نقطه انفجار رسیده است. بنابراین

باید هر چه سریعتر تکلیف دولت مستقل فلسطین و دولت اسرائیل مشخص شود. دولت آمریکا و انگلیس از این بحران جهت فشار بر دولتهای اسرائیل و نیروهای رادیکال فلسطین و حامیان آنها سود ببرند و دولت اسرائیل و فلسطین را به پای میز مذاکره بنشانند.

گزیده‌هایی از بیانیه حزب ملت ایران
(۱۳۸۰/۷/۲۶)

افغانستان در خون پییده را دریابید

هفت سال پیش که افغانستان جنگ زده می‌رفت با اتحاد نیم بند گروههای مبارز به دولتی فراگیر نایل آید، به ناگهان با پی ریزی «گروه طالبان» از سوی دولتهای حجاز، پاکستان و ابرقدرت گرداننده آنان، بخش‌های این کشور جنگ زده یکی پس از دیگری به چنگ مشتی واپسگرای دژخو افتاد.

اینها خیلی زود توانستند در نزد پاره‌ای از مردم ساده لوح و به تنگ آمده از درگیری‌های خونین درازمدت، جای پای خود بیاوند و به شهرهای جنوبی کشور یکی پس از دیگری دست اندازی نمایند و بتدریج با یاورهای همه جانبه‌ی اربابان بیگانه‌ی خود به پیشرویهای بیشتر پرداختند و حتی شهرهایی چون قندهار و هرات و سرانجام کابل را نیز اشغال کردند.

...ما به درستی می‌دانیم آنچه بر مردم افغانستان می‌گذرد پی آمد سوداندوزی شرکت‌های چندملیتی برای گذار لوله‌های نفت و گاز از کناره هرات و فروش موادمخدر با هم دستی‌نیروهای مافیایی و نظامی پاکستان است که در این راستا طالبان را پرورش و آموزش دادند و آنها را ساختند و پرداختند تا پیام شوم مرگ و نیستی برای مردمی باشند که سالهاست نه تنها روی آسایش در این سرزمین ندیده‌اند، بلکه آنها را به جان هزاران تن مردم بی‌گناه در ایران و آفریقا و سرانجام در ایالات متحده انداختند....

حزب ملت ایران، از سازمانهای بین‌المللی و همه نیروهای آزادیخواه جهان می‌خواهد تا همه توان و نیروی خود را صرف محدود ساختن دولت و ارتش پاکستان نمایند تا جریان سوخت و اسلحه به طالبان و ترابری موادمخدر از پاکستان به مافیای بین‌المللی قطع گردد.